

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۲۵ فبروری ۲۰۱۲

ایران در هفته ای که گذشت

حریم، گسترده است

در هفته‌ای که گذشت تمام دستگاه تبلیغاتی رژیم استبدادی جمهوری اسلامی برای رونق دادن به خیمه‌شب بازی موسم به انتخابات مجلس ارتجاع اسلامی به کار افتاد تا شاید بتوانند گروهی از مردم ناآگاه را به شرکت در این نمایش مضحک بکشاند.

خامنه‌ای این سرکرده ارتجاع و دیگر سران و مقامات ارگان‌های رژیم در سخنرانی‌های خود پی در پی از مردم خواستند که به پای صندوق‌های رأی‌گیری بروند. فرستنده‌های رادیو و تلویزیونی رژیم بخش اعظم برنامه‌های خود را به این فریب بزرگ موسم به انتخابات اختصاص دادند. روزنامه‌ها، سایت‌ها و خبرگزاری‌های وابسته به رژیم، بخش دیگری از این وظیفه را در گفت و گوهای مطبوعاتی با صاحب‌نظران جیره‌خوار نظم استبدادی به عهده گرفتند.

فسیل‌های بازمانده از قرون وسطا، از نمونه نوری همدانی و مکارم شیرازی فتوا صادر کردند و شرکت در خیمه‌شب بازی را وظیفه شرعی پیروان ناآگاه خود اعلام نمودند.

با این همه، اکثریت بسیار بزرگ مردم ایران که پی به ماهیت ارتجاعی جمهوری اسلامی و نمایش‌های مسخره و قلابی این رژیم برده‌اند، توجهی به این باوه سرانی‌های تبلیغاتی ندارند و مصمم‌اند با تحریم یکپارچه این خیمه‌شب بازی، ضربه دیگری بر رژیم اختناق و استبداد حاکم وارد آورند.

اکنون که به ویژه پس از رسوائی بزرگ به اصطلاح انتخابات سال ۸۸، دیگر همه فهمیده‌اند که افزودن میلیون‌ها رأی قلابی، کار همیشگی جمهوری اسلامی برای نشان دادن حضور امت همیشه حاضر در صحنه بوده است، سران رژیم با این بازی مسخره می‌خواهند چه چیزی را نشان دهند؟ اگر در گذشته مخالفان رژیم استدلال می‌کردند که در یک رژیم استبدادی، جایی که آزادی‌های سیاسی وجود ندارد، انتخاباتی در معنای واقعی کلمه در کار نیست و تقلب و فریب ذاتی هر رژیم دیکتاتوری عربیان است، حالا دیگر حنا جناح‌هایی از طبقه حاکم و گروه‌هایی که سال‌ها در رأس ارگان‌های قدرت جمهوری اسلامی بوده‌اند، آشکارا اعتراف می‌کنند، چیزی به نام انتخابات در

ایران وجود ندارد. اکنون رسوائی حکومت اسلامی به جائی رسیده است که گروه‌های موسوم به اصلاح‌طلب جمهوری اسلامی، شرم دارند از این که مردم را به شرکت در این نمایش تقلب و دروغ دعوت کنند. دار و دسته‌های سیاسی رنگارنگ اپوزیسیون بورژوائی هم که سال‌ها مردم را با اصلاح رژیم از درون فریب می‌دادند و آن‌ها را به شرکت در انتخابات قلابی فرا می‌خواندند، حالا تحریم را در دستور کار قرار داده‌اند. این نیز از آن‌روست که آن‌ها هم دریافته‌اند که اکثریت بسیار بزرگ مردم ایران نه فقط در این نمایش مسخره شرکت نمی‌کنند، بلکه خواستار برانداختن جمهوری اسلامی در کلیت آن هستند.

سران رژیم نیز به خوبی می‌دانند که حتا گروه کوچکی از مردمی که پیش از این جانبدار گروه‌های موسوم به اصلاح‌طلب بودند، اینان نیز دیگر به پای صندوق‌های رأی‌گیری نخواهند آمد. آنچه که باقی می‌ماند وابستگان و جیرمخاران دستگاه دولتی و مذهبی و تعداد اندکی از عقب‌مانده‌ترین و ناآگاه‌ترین بخش مردم سنتی در روستاها و شهرهای کوچک خواهد بود که جمعیت آن‌ها در میان حائزان حق رأی از ۲۰ درصد نیز تجاوز نخواهد کرد. با این وجود، رژیم به ویژه در شرایطی که با بحران‌های متعدد داخلی و با یک بحران جدی در مناسبات بین‌المللی نیز رو به رواست، می‌خواهد به هر شکلی که شده برای مصرف خارجی نشان دهد که هنوز گویا اکثریت مردم، طرفدار جمهوری اسلامی و نهادهای آن هستند. حالا اگر اعلام ۸۰ و ۹۰ درصدی امکان‌پذیر نیست، لاقلاً باید بیش از ۵۰ درصد باشد. با هنر نایب رئیس مجلس و یکی از سران باندهای حکومت، پیشاپیش قصد حکومت را لو داد و گفت باید تعداد شرکت‌کنندگان لاقلاً ۶۰ درصد باشد. اما چگونه؟

با حوزه‌های انتخاباتی خالی که نمی‌شود از حضور میلیونی مردم در انتخابات سخن گفت و با افزودن میلیون‌ها رأی ساختگی، ۶۰ درصد را از آن درآورد. برای جمهوری اسلامی، کار مشکلی نیست. وزارت کشور از هم اکنون کار خود را آغاز کرده است. وزیر کشور در این هفته اعلام کرد در انتخابات نهمین دوره مجلس ۴۸ میلیون نفر حائزان حق رأی هستند. مرکز آمار ایران دو هفته پیش اعلام نمود که بر طبق سرشماری سال ۸۹، جمعیت ایران ۷۵ میلیون نفر است. از این ۷۵ میلیون کل جمعیت ایران، تعداد افرادی که به لحاظ سنی از حق رأی دادن برخوردار نیستند به ۲۰ میلیون نیز نمی‌رسد. بنابراین بر طبق آمار دستگاه‌های خود رژیم، حائزان حق رأی لاقلاً ۵۵ میلیون خواهد بود. وزارت کشور جمهوری اسلامی علی‌الحساب، متجاوز از ۷ میلیون از حائزان حق رأی را حذف کرده است تا تعداد مردمی که در انتخابات فرمایشی شرکت نمی‌کنند، کمتر نشان داده شود و بالعکس درصد آن‌هایی که شرکت می‌کنند افزایش یابد. به رغم این تقلب، رژیم باز هم نیاز به صحنه‌سازی دارد تا بتواند رقم ۶۰ درصدی را جعل کند. در شرایطی که همه می‌دانند تحریم گسترده است و وزیر اطلاعات رژیم نیز اخیراً به آن اعتراف کرد و گفت مردم تحت تأثیر مخالفان قرار گرفته‌اند، با خالی بودن حوزه‌های رأی‌گیری، رژیم دیگر به سادگی نمی‌تواند با افزایش چندین میلیون رأی قلابی به هدف خود برسد، از همین‌روست که تمام دستگاه تبلیغاتی را به کار انداخته تا شاید بتواند خود را از این مخمصه نجات دهد.

معهداً همان‌گونه که اشاره شد به رغم این تلاش‌های مذبحخانه و استفاده از تمام روش‌های تهدید، تطمیع و خرید و فروش رأی، در نهایت می‌تواند ۲۰ درصدی را به پای صندوق‌های رأی بکشانند که در این سال‌ها پای ثابت خیمه‌شب بازی‌های انتخاباتی رژیم بوده‌اند.

توده‌های وسیع مردم ایران در این خیمه‌شب بازی شرکت نمی‌کنند. برای اکثریت بزرگ مردم ایران که می‌دانند چیزی به نام انتخابات در ایران وجود ندارد و این نمایش، سرتاپا فریب و تقلب است، تفاوتی نمی‌کند که رژیم

شرکت‌کنندگان در این نمایش مسخره را ۵۰ و ۶۰ درصد اعلام کند یا حتا بیشتر. چرا که این اکثریت بزرگ مردم پی برده‌اند، باید تکلیف را با رژیم جمهوری اسلامی از اساس یکسره کرد و آن را برانداخت.

مسئله دیگر برای کارگران و زحمتکشان ایران، صرفاً تحریم انتخابات نیست، بلکه اکنون برچیدن و جاروب کردن تمام بساط جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت شورائی که در آن مردم با برخورداری از وسیع‌ترین آزادی‌ها نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند و دمکراسی شورائی را در ایران مستقر سازند، به وظیفه فوری و مبرم تبدیل شده است.

قراری نبود که آژانس و جمهوری اسلامی به توافق دست یابند

پس از دو دور مذاکرات اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با جمهوری اسلامی، در این هفته، بار دیگر شکست گفت و گوها رسماً اعلام گردید.

مدیر کل آژانس در بیانیه‌ای که انتشار داد از بی نتیجه ماندن سفر هیأت اعزامی آژانس و اتمام کار آن خبر داد و افزود: جمهوری اسلامی مانع از بازدید این هیأت از منطقه نظامی پارچین شد و متنی هم که در جهت شفاف‌سازی برنامه هسته‌ای ایران تهیه شده بود، مورد توافق قرار نگرفت.

رئیس این هیأت نیز در گفت و گو با خبرگزاری‌ها شکست تلاش‌های آژانس را متوجه جمهوری اسلامی نمود و گفت: تلاش ما این بود که به راه حلی برای مسایل باقیمانده و جنبه‌های احتمالاً نظامی برنامه هسته‌ای ایران به توافق برسیم و به مجمعی که به تحقیقات ما مربوط می‌شد، دسترسی پیدا کنیم. جمهوری اسلامی اما اعلام کرد که این هیأت صرفاً به قصد تسهیل همکاری دوجانبه به ایران آمد و قراری نبود که از تأسیسات هسته‌ای بازدید شود. واقعیت اما این است که از اساس قراری نبوده و نیست که جمهوری اسلامی و آژانس به توافق برسند.

دیگر نباید بر کسی پوشیده مانده باشد که اختلاف بر سر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، اختلافی میان جمهوری اسلامی و آژانس نیست که دو طرف بخواهند یا بتوانند بر سر آن به توافق و سازش برسند. اختلاف میان جمهوری اسلامی با قدرت‌های اروپائی و امریکاست که حل آن نیز بر عهده آن‌ها قرار دارد. برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی هم جزء کوچکی از اختلافی بزرگتر است و حل آن تابعی است از این اختلاف بزرگتر. نزاع بر سر برتری طلبی منطقه‌ای، اساس این اختلاف را تشکیل می‌دهد. بنابراین پیشاپیش نیز روشن بود که این مذاکرات نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت و به شکست خواهد انجامید.

با قطعیت می‌توان گفت که آژانس و جمهوری اسلامی نیز به خوبی می‌دانستند که این مذاکرات نتیجه‌ای به بار نخواهد آورد و اصلاً نباید به بار آورد.

اگر چنین است، پس چرا طرفین آن را پذیرفتند؟ دلیل این مسئله پوشیده نیست. این، یک بازی سیاسی است که هر یک با هدف خاص خود در آن وارد شده است.

آژانس می‌داند که اگر قرار بود به توافقی با جمهوری اسلامی برسد، پیش از آن که نزاع تا مرحله کنونی‌اش حاد شود، به این توافق دست یافته بود. لذا وارد مذاکرات جدید با جمهوری اسلامی می‌شود، نه با این دیدگاه که به توافقی به رژیم دست یابد، بلکه پرونده اتهامات جمهوری اسلامی را به نفع امریکا و اروپا، سنگین‌تر کند تا به طرفداران جمهوری اسلامی از نمونه روسیه و چین نشان دهد که این رژیم حاضر به همکاری به آژانس نیست. مانع از دسترسی هیأت آژانس به تأسیسات هسته‌ای می‌گردد و به طور ضمنی تأکید کند که هدف پروژه اتمی جمهوری اسلامی نظامی است.

جمهوری اسلامی هم که زیر فشار بین‌المللی قرار دارد، به منظور کاهش این فشارها، ناگزیر است اعلام کند، حاضر به مذاکره و همکاری با آژانس و هیأت‌های اعزامی آن به ایران است، اما در عمل امتیازی به آن‌ها ندهد و مانع از ادامه کار آن‌ها گردد. چرا که می‌داند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی کاره‌ای نیست که بتواند نقشی در حل و فصل این نزاع پیدا کند و هر چه به اطلاعات بیشتری در مورد پروژه هسته‌ای دست یابد، پرونده را سنگین‌تر و دستیابی به توافق و سازش با آمریکا و اروپا را دشوارتر خواهد ساخت. یعنی اگر جمهوری اسلامی سندی را که آژانس خواستار توافق بر سر آن بود، می‌پذیرفت و وارد گفت و گو بر سر باقیمانده مسایل مورد اختلاف یا به عبارت دیگر ناگفته‌های مخفی‌کاری خود می‌شد، یا به هیأت آژانس اجازه گفت و گو با دانشمندان هسته‌ای و بازدید از مجتمع پارچین را می‌داد، در آن صورت کاملاً در موضعی دفاعی قرار می‌گرفت و نتیجتاً می‌بایستی تسلیم طرف دیگر نزاع، آمریکا و اروپا می‌شد، بنابراین جمهوری اسلامی اطلاعات جدیدی به آژانس نداد و نخواهد داد. پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی به عنوان دستاویزی برای گرم نگه داشتن نزاع باقی خواهد ماند، تا روزی که طرفین اصلی درگیر بتوانند با مسالمت یا زور، به اهداف خود از این نزاع دست یابند. تجربه چندین سال گذشته نشان داده است که قراری نیست، این نزاع تخفیف یابد، بلکه مدام حادث‌تر شده است. تحت چنین شرایطی روشن است که آژانس کمتر از هر زمان دیگر می‌تواند نقشی در تخفیف این نزاع و کشمکش داشته باشد.

یک دزدی و فساد مالی تریلونی جدید

در هفته‌ای که گذشت در حالی که دستگاه قضائی جمهوری اسلامی به عنوان یکی از فاسدترین ارگان‌های حکومت اسلامی نمایش محاکمه فساد مالی بزرگ را به راه انداخته بود تا گویا چنین القاء کند که جمهوری اسلامی در برخورد با فساد جدی است و اگر چنین مواردی هم رخ می‌دهد، مقصر آن یکی از باندهای درونی حکومت است، خبر یک فساد مالی و دزدی بزرگ هزار میلیاردی دیگر انتشار علنی یافت.

سایت آفتاب که از سایت‌های طرفدار باند رفسنجانی است، گزارشی از این فساد تریلونی جدید انتشار داد و نوشت: "هنوز خبر رسوائی سه هزار میلیاردی در اذهان مردم از تب و تاب نیفتاده است که شنیده شد، یک بدهکار هزار میلیاردی دیگر که توانسته با رانت برخی اشخاص و ام‌های کلان بدون تضمین از بانک‌ها دریافت کند، مدتی است از کشور متواری شده و ارز قابل توجهی را از ایران خارج نموده است."

این سرمایه‌دار که از طریق زد و بند با مقامات دولتی توانسته است، این پول کلان را از بانک‌ها بگیرد، به خارج منتقل کند و خودش هم در برود کیست؟ گزارش از فردی به نام م. م نام می‌برد که به تنهایی ۶۰ درصد بازار روغن‌کشی کشور را در اختیار داشت و چند کارخانه نیمه تعطیل از خود به جای گذاشته است. این گزارش می‌افزاید: "به دلیل ارتباطات گسترده توانسته است با ارز بسیاری از کشور خارج شود و بدهی حدوداً بیش از هزار میلیاردی به سیستم بانکی را باقی بگذارد و اکنون در لیست سیاه بانک مرکزی قرار بگیرد."

حقیقتاً در هیچ کشوری از جهان نمی‌توان این همه، فساد و دزدی، زد و بند سرمایه‌داران و مقامات دولتی را برای غارت و چپاول و دزدی‌های تریلونی پیدا کرد. این فقط جزو خواص ذاتی حکومت اسلامی است که فساد و دزدی را به نهایت خود برساند.

همان‌گونه که در این گزارش آمده است، این سرقت تریلونی تنها می‌توانست از طریق زد و بند انجام بگیرد و میلیاردها دلار، از دارائی و ثروت کشور که حاصل دسترنج کارگران ایران است، از طریق "ارتباطات گسترده!" یا به زبان عامه فهم، ارتباطات دولتی غارت شود.

در همین نمایش اخیر دستگاه قضائی، قاضی و دادستان که وابسته به باند برادران لاریجانی‌اند، برای ضربه زدن به باند احمدی‌نژاد به متهم ردیف اول اجازه دادند که موارد متعددی از رشوت به مقامات دولتی را برملا کند و بگوید برای انجام هر کار خلافی کافی بود که میلیون‌ها تومان و دلار رشوه دهد. اما فردای این افشاءگری، روزنامه ایران دست به یک حمله متقابل زد و افشاء کرد که ۱۷۰ تن از نمایندگان مجلس از طرفداران رئیس فراری بانک ملی بودند و مقدمات فرار او را فراهم ساختند. یعنی این افشاءگری به طور ضمنی می‌خواهد بگوید که او به عنوان یکی از متهمان اصلی که چندین میلیون دلار رشوه گرفته بود، فراری داده شد تا فساد مالی گروه‌های رقیب برملا نشود.

یکی از نمایندگان مجلس ارتجاع به نام لاله افتخاری که خواست خود را تیرئه کند، کار را خراب‌تر کرد و زد و بند نمایندگان مجلس را با دزد فراری تأیید نمود. او گفت: "اگر حمایتی بوده، شاید از سوی برخی نمایندگان صورت گرفته است، لذا نمی‌توان این امر را به حساب همه مجلس گذاشت."

اما کیست که از فساد گسترده در دستگاه قانون‌گذاری جمهوری اسلامی اطلاعی نداشته باشد. فساد در درون این دستگاه تا آن حدی است که در نتیجه تهدید به افشاءگری گروه‌های رقیب، شورای نگهبان رژیم ناگزیر شد، صلاحیت بیش از ۳۰ تن از آن‌ها را که همگی در فساد مالی پرونده دارند، برای دوره بعدی تأیید نکند.

با سرعت گرفتن روند فروپاشی جمهوری اسلامی، تمام سران، مقامات و کارگزاران جمهوری اسلامی، هر یک در تلاش‌اند، تا جایی که می‌توانند دزدی کنند، رشوت بگیرند و ثروت مملکت را غارت کنند و به خارج از کشور منتقل نمایند، تا وقتی که روز فرار فرار رسید، سرمایه‌ها و ثروت‌های هنگفتی در کشورهای دیگر اندوخته باشند.

رسوائی حکومت اسلامی به جایی رسیده است که وزیر اطلاعاتش می‌گوید در جریان کاهش ارزش ریال "برخی از خودی‌ها که جزو مجموعه نظام‌اند، رفتند میلیاردی سکه خریدند."

معلوم است که این خودی‌ها جزو مجموعه نظام که می‌توانند میلیاردی سکه بخرند، با دزدی و غارت دسترنج توده زحمتکش، این همه ثروت اندوخته‌اند.

پایانی بر فساد روزافزون در جمهوری اسلامی نیست. دزدی هزار میلیاردی جدید هم جزء بسیار کوچکی از انبوه فسادی است که جمهوری اسلامی در آن غوطه‌ور است.